

بکام دشمنان بود

روز که امتحان بود

نجات دوستان بود

مخالفین گران بود

اثرش نقیض آن بود

ت به تمام بد گمان بود

باد و فغان بر آسمان بود

چند که آشتی کنان بود

شیخ سرنا



خبر ما اوایل زمستان از لشکرک  
کنون بوسیله چاپارخانه مبارک

روزنامه‌ها

(۲۰) چرا به‌حاصلین شلک شده  
شکه می دانستند محصلین اسلحه

(۷۰) ایران بین موت و حیات  
ن بفارسی میشود؛ ایران بین ترک

(شماره ۱۹۸)

شده است.  
ارید، هنوز قوم و خویش وهم مسلک

(۴۹) از بردگی به هرج و مرج  
از هرج و مرج دوباره به بردگی

شد

# چاپارخانه

بابل نامه است نقل و نبی بیخ حرب و تاج جوی نیت

چهارشنبه اول فروردین ماه ۱۳۲۴

تک شماره در همه جا ۴ ریال

سال سوم شماره مسلسل ۹۷



بخواب چونم به سرد و گوش او مده!

خاک بزم بجهوش او مده





### اینهم عیدمون!

رستی سال بری و نگر دی! عجب سال نحسی بودا هرچن بیرتر شدیم اما خدا شاهد است که یه جو عاقلتر نشدیم. تورا خدا یه دقه فکر کنیید ببینید اصلا اسم امروز را میشه عید گذاشت. آخه امروز کجاش به عید میمونه؟ اون سال گذشته مون بود که خدا نصیب کرک بیابون نکنه، این آندرمونه که هیچ روشن نیست. الانه هم که نه دل خوشی داریم، نه وجدان راحت و نه شکم سیر.

دولتهایی که اومدن و رفتن نخواستن و یا نتونستن برای رضای خداهم شده به قدم برای ما بردارن، کرسی نشینا هم که ماشاءالله هزار ماشاءالله فکر همه چیز بودن چیز فکر ما کور و کچلها، تا تونستن آتش نفاقو دامن زدن، دو دستکی درست کردن، مثل لشکر سلمو تورصف آرا می کردن و این میونه ما له و به شدیم. راسته که میکن ماهی از سرش میکنند. اگه اپنا ما ملتو ول میکره و شاخو از پشت ما ورمیدانن ما خودمون اگه به قدم بچلو برنمیدانیم حتم به قدم هم عقب نمیدانیم. اما بد بختونه اسارمون کردن و خودمون که راه راست نمرفن ما راهم که گمراه بودیم گمراهتر گردند. بیجون شما من حالا دود دل شاعر مادر مرده را میفهم که میفرمود:

#### این هم سفران پشت بمقصود روانند

#### شاید که بمانم قدمی بیشتر اقیم

مثل دولت و کرسیخانه ما سال گذشته درست مثل مثل جنت مکان ملانصرالدین و زنش بود که نمیدونم بهتون گفته ام یا نه؟ عرض کنم یه روز عصر ملا اومد منزل و گفت زنیکه نمیدونی امروز چه حقه ای زده ام. پرسید چیکار کرده ای. گفت وختی گوشت میخریدم قصابه دو سه تا پاره سنک گذاشت تو کفه ترازو، تاخواست بره گوشت پیره بیاره بندازه تو اون یکی کفه من این تکه سنک را که میبینی کش رفتم و آوردم منزل. زنیکه گفت ملا این که چیزی نیس اگه بدونی من امروز چه کلاه کله کشادی سر حلوا فروش گذاختم از ذوق دق میکنی. ملا گفت بگو ببینم تو چیکار کرده ای؟ زنیکه گفت هیچی، حلوا میخریدم، تا حلوا فروش چشمشو برگردوندمن به لنگه گوشواره طلامو انداختم تو کفه ترازو و حلوا بیشتر گرفتم. ملای خدا بیامرز خندید و گفت: ماشاءالله زنیکه اینطور که من از خارج و تراز داخل شروع کرده ایم تجارت، انشاءالله آخر سالی بسکه هم رفتنی میشیم!

حالا، چون شما، اینطور که دولت علیه تو دستگاه دولتی، و کرسیخانه تو دستگاه ملت عمل میکنه، حتما ما هم مثل ملا آخر سال دیگه بلون اون ور آب خواهه

### ایدن وطنی!!!

داش نصل جون ساغفرانسيسكو! یه کمی کار اتوراس وریس کو (کن) سیدلاتو بزار بشن انبوه قابشی قدری با جلال وشکوه چشائو اون قدر بکش سرمه که بشن مثل گوشت تو قرمه! بزن ابروتسو شونه از نیمه که کموت بودنش بشه بیمه! بده هرروز دماغتو ماساج! توی شیر و نرم و آش اوماج! ریشاتو روزی هوش دفه بتراش اونجا تیغ خیلیم، بی خیالش باش یه چیزه دیگه هم که نیس بی خود اینه که اونجا ها خوراک نخود اگه بتونی ئی قد بلمبونی! که شکم بت را، ورقلمبونی! بت میشینه اونوخ ئی قد هیبت که بیاد بت رئیس هیبت! اگ چه حالام شکل مش ادلی! ولی بازم اگه شکم داشته، فقط کم داشتی آجناب رئیس بشینه پهلوت توی طیاره تو نمک پاشی، او بیادهی عور ینگه هم داری جف، کوتاه و بلند! دوتا دیگه که داری بیرونا ساغفرانسيسكو اگ بری بی زن زاناش پاک آبروتو میریزن!

نصل من که ماه تابونه هرچه بش میکم این شب عیدی یکی رو واسه خودت نم کن نترس لعنا دیگه واسهت اینجب شونه شو بازم میندازه بالا واسه زن خیلی میگیره بونه از این میلیون زنائی که دلدی خونه و لونه فراهم کن همیشه مدعی میره صاف جا. یعنی که جون تو زوده حالا

بگذریم خوب، مبارکت باشه بست تازه، حالا دیگه جاشه بنمایونی، چن مرده حالاجی استخوان کلاغی، یا عاجی برو که دست حق بهمراته چشم مردم دیگه بکاراته

#### مهندس الشعرا

بود. فقط خوشوقتی که ما داریم اینه که حتم نه کردن خودمون و نه اولادمون زیر بارمنت این دولتها و این کرسیخونه نخواهد بود و به خورده هم شمر و یزید استراحت خواهند داشت و مردم عوض اونا باینالمنت خواهند فرستاد. اما از انصاف هم نباید گذشت سال گذشته برای دزد ها و باچه ور مالیده ها ازر حیت سال خوش و مبارکی بود. دزد ها درامن وامان مشغول چپاول بودند و رندون از دولت سر میلبسناز پارچه و لاستیک و نخ و ماش و کوفت و زهرمار نصیب فراوانی بردند و بریش من و تو خندیدن. حالا گذشته گذشته است، ولی من همش توفکریم که نکنه خدا نکرده سال نوهم از همون قماش سال گذشته و بلکه بدتر هم باشه، چون خیال میکنم ما مثل کلوله که درسرا شیبی افتاده است، به تدره سررازیر شده ایم و هرچه چلو تر میرویم به سرعتمان اضافه میشه و هونقدر هم تکه داشتیمون مشکلمتر میشه. آری، اینو میخواستیم بگم، پارسال از کرسیخانه سیزدهم مینالیدیم خدا گرفتار چهاردهم مون کرد. پارسال خدا بیمارز حاجی خوش قلب محافظه کار شکایت داشتیم خدا اونوا دستمون گرفت و دچار آمیز مصندوقمون نمود. اینه که آدم هیچ نمیدونه چیکار کنه، ناشکری بکنه یا باز هم نکنه؟ که میدونه، شاید بالای سیاهی هم رنگی هس! (بقیه در صفحه ۲۳)

درد  
بقیه از صفحه ۲  
مغاس کلوم خداشاهد  
هر سال بشما تبریک بکه  
راستی عمر کردن اینطوری  
بهتری داره که بسم الله والا  
صد بار از این زندگی امر  
نگاه کنین امروز کر  
بدنش گرفته مر کزفته و  
بهباران رنجوز حمت کاشتی  
آیاری کردیم، امروز چو  
تصیر ما هم نیست:  
شاخه را مرغ چه دان  
از همین مرگوست که تخم فتن  
کنور پاشیده میشود. این  
سرابها کردن بقدر به غ  
نیاباست و احتیاج به حاشا  
مجنسب فتنه در این شه  
لیک من ا  
اما اومدیم سردول  
راسته که توی این دولت  
وی شیله بیله هس ا ولی  
کردن بیلسیا که در دهان  
و کرسیخانه افتاده دیگه نور  
درست به من اند و به مثال هم  
نخب می کنم، زیرا او خود  
ادعا میکنه که بیست سال  
است، ارمیایستی بقمه  
اوم این کرسیخانه ایگه خ  
پیدا بشه حتم کرسیخانه  
مرغز قل ووز اول که دید  
با غایبه کرونه، میبایستی  
وقل و مقالو کوتاه کنه و هیچ  
مسؤل بحران بعدی ندونه  
سرکاره را اگر رفت و بعد از او  
است، چشمش کور خر زده  
من بخام بگم که اگه قصه  
ابوضع ممکن نیست، یعنی  
تا قانون مانوشوا مضاعف  
بس با ابوضع جز مصلک  
و آشنایان گرامی وهم مسلک  
کاری ازش ساخته نیست  
مدار اعظم باشه یعنی اگ  
زاد هم غصه کوتاهی عمر در  
مبارک که تصمیم گرفته است  
اراعایت کنه یعنی عمر در  
پسه برسه.  
مغاس کلوم. بچه  
درد آوردم خیلی خیلی غم  
چشائو نواز کنین و ببینین  
و در به موجو عیدی میشه تبر  
که خیلی هم برده از روی کار  
بگریشین. هروقت ان  
مجلس نو، فکر نو،  
عید خواهد بود  
بزرگ خواهد گفت  
در انتظار آنروز،



### درد دل باباشمل

بقیه از صفحه ۲

مغاس کلوم خداشامده که بابا ازدلش نیباد که مثل هر سال بشما تبریک بگه و بگه ، صد سال باین سالها ، راستی عمر کردن اینطوری هیچ لذتی ندره ، اگه خدا سالهای پهنی داره که بسم الله والا اگه به مرگ آبرومندی بده بخدا صدبار از این زندگی امروزه بهتره .

نگاه کنین امروز کرسیخانه ایکه سرنوشت این ملتو بدنش گرفته مرگرفته و فساد . همون درختی را که ما بهزاران رنج و زحمت کاشتیم و باخون پاک بهترین جوانانمون آبیاری کردیم ، امروز چوپ همون درخت را میخوریم یعنی نصیر . ام نیست :

### شاخه را مرغ چه داند که قفس خواهد شد!

از همین مرگوست که تخم فتنه و فساد و نفاق در سرتاسر این کشور پاشیده میشود . این اشکهای ریائی ریختن و نوحه سرانها کردن بقدر به غا زارزش ندارد زیرا دم خروس نایاست و احتیاج به حاشانیست ، چقدر خوب میفرماد شاعر :

مجنسب فتنه در این شهر ز من داند و می

لیک من اینهمه از چشم شما میبینم

اما اومدیم سردولت علیه که اونم حالش خرابه راسته که توی این دولت دو سه تا آدم درست و حسابی و بیله بیله هس اولی بایه کل که بهار نیشه و بایه دک کردن ، یلسپا که دردها دوانیشه تازه این کشمکش که بین دولت و کرسیخانه افتاده دیگه نوراً علی نورا ست . هر دو طرف درست به من اند و به مثقال هم تخفیف نمیدن ، من از مرض قل نجب می کنم ، زیرا او خود شو مردمیدون میدونه و همیشه هم ادعا میکنه که بیست سال کم و بیش تو گود کرسیخانه بوده است ، اومیایستی بقیه نه اگه بین دولت و کرسیخانه ، اونم این کرسیخانه ایکه خداراهم بنده نیس به روز اختلاف پیدا بشه حتم کرسیخانه بیش میره . پس در اینصورت مش مرض قل و وز اول که دیدنیتونه ایناروراضی کنه و سرشون با غایبه گرونه ، میبایستی عتبراً بیوسه و این جارو جنجال و قار و مقالو کوتاه کنه و هیچ هم بر است یا بدروغ خودشو مشول بحران بعدی ندونه ، زیرا او تا روزی مشول که سرکاره و اگر رفت بعد از او بحران اومد مشولش کرسیخانه است ، چشمش کور خر زده خورده باید پای لرزش هم بنشینه . من بیخام بگم که اگه قصه د مش مرض قل خدمت کرده که با اینوضع ممکن نیست ، یعنی تا کرسیخانه با او همراه نباشه تا قانون مانو نشواضع نکنه او که سیتونه قدم از قدم بر داره پس با اینوضع جزم مطال کردن کارها و جز چوبندن دوستان و آشنایان گرامی وهم مسلکان محترم بیستهای حساس هیچ کاری ازش ساخته نیست ولی اگه فقط دلش میخاد که مدار اعظم باشه یعنی اگه هوسه ، اونم چهار ماه بسه ! زیاد هم غصه کوتاهی عمر دولتشو نخوره زیرا کرسیخانه مبارکه تصمیم گرفته است که در این نظیه بخصوص مساوات (ارعیات کنه یعنی عمر دولتهارا بقدری کوتاه کرده که و بت بهه برسه .

مغاس کلوم . بچه ها از اینکه اول سال سرتونو درد آوردن خیلی خیلی عذر میخام ، فقط میخواستم به ذره چشانتون باز کنین و ببینین آیا حقیقتاً امسال ماعیداریم یا نه و در به همچو عیدی میشه تبریک گفت باحیر ؟ خدا شاهد است که خیلی هم برده از روی کار بر نداشتم که مبادا روز اول سال بگرشین . هر وقت اشاء الله با سال نو دولت نو ، مجلس نو ، فکر نو ، راه نو هم راه بود آنروز عید خواهد بود و آنروز بابا قلباً بشما تبریک خواهد گفت .

در انتظار آنروز ، خدا نگهدار تان :

بابای شما

### برای بچه ها

قور باغه میگه ، قرو قرو قر  
آب میاد تو حوض گرو گرو گرو  
میریزه رو من ، شرو شرو شر  
باد میکنم ، قد شتر  
فیس میکنم ، باد میکنم  
هف جدمو یاد میکنم

### مرض قل میگه ، قرو قرو قر

این شب عیدی گرو گرو گرو  
و کیلا واسم ، غزه میریزن  
خیلی لوس میشن ، انگار که چیزم  
اگه بونم چن هفته دیگه  
روچشت ابروس ، بین کس میگه ؟  
پست به این نرمی ، جابه این گرمی  
ولی و کیلای ، پوس رو چرمی  
میکن از اینجا ، بالا زود باشو  
این شب عیدی ، از سرمون واشو  
بین به اینا ، کسی هس بسکه  
جونم فداتون ، من برم اگه  
بازم مجبورین ، یکی بیارین ،  
انگار من اونم ، چکارم دارین ؟

مصندوق میگه ، قرو قرو قر  
نطق و کیلا ، گرو گرو گرو  
هی پیش از دستور ، هی بعد از دستور  
زندگی منو ، پاک کردن ناچور  
یارو قرفره ، تو ابروش گره  
میتدازه ، میگه ، کس نظام نره

اونوخ داش طبا ، ورمیچه ازجا  
میگه باس بره ، هر کسی دوجا  
جهال لندهور ، اونقد تندیده  
رفته دم در ، زده کشیده  
حالا من باماس ، واسه تصفیه ش

هی نطق گوش بکن هی قرعه بکش  
فر بند دبلانق ، بسده با تریاق  
آدرده طرحی ، با صد طمطراق  
من بیچاره ، نشسته کیفور  
اونقد میدم گوش ، بحرف رافور  
که چرت می زنم ، پشت سرم

آخر جلسه رو ختشم می کنم  
یارو صدقه ، ششل جرقه  
حرف که میزنه ، سر بیه دقه  
میزنه آتیش ، و کیل مکیلا  
آتیشی میشن ، می برن بسالا  
یکی صحیح است ، یکی خته شو

این میگه بیا ، اون میگه باشو  
این میگه بسه ، اون میگه از نو  
اونم این و - ط ، ول میده مشکش  
خیس خیس عیسه ، دستمال از اشکش  
یارو چل طوطی ، چون میاد بحرف  
من از خیال ، آب میشم چو برف  
خوبه اون وسط ، چرتی ی زنم  
این جو شرشو ، از سر میکنم

اون هذا غوله ، که قد غوله  
بقول طبا ، خیلی فضوله  
حرف که میزنه ، از بس پریشون  
کس نمی فهمه ، نه من نه ایشون .  
گاهی ابول چون گل بادمجون  
حرف که میزنه ، آدم میگه جون  
نمک میپاشه ، لالوا جلسه  
که در میام از ، عالم خلسه  
حرفاش خوشتره س ، چون دودوافور  
منو میکنه نشه و کیفور

مستخدم جزء ، میگه قرو قر  
پول میره بیرون ، گرو گرو گرو  
پول دارن بدن ، بیارو بفیوز  
تا دو سال دیگر صدتو من در روز  
ولی ندارن ، واس این چندر غاز  
عیدی امسال ، درش کنن واز  
ته کشید چرا ، بسا که رسید

عیدی امسال ، چرا انماسید ؟  
کاش بره امسال ، دیگه نیاد پس  
بلکه بکشیم راحت یه نفس  
کاش بشه امسال ، همه زیرورو  
نکشه دیگه ، از ماس کسی مو  
کاش در مجلس ، پاک بشه آخته  
اون دم داراشون پاک بشن آخته  
ول کنن مارو ، راحت و آزاد  
زندگی کنیم ، هر چه باد باد .  
مهندس الشعراء

از ما می پرسند ؟  
ایستگاه عراده ملی  
آی باباشمل انشاء الله تو خودت بچه  
تهرونی و میدونی که تو این شهر برای  
هر جور وسیله نقلیه ، ایستگاه علیجده درست  
کرده ان . مثلاً ایستگاه اتوبوس ها سبزه  
میدون بامیدون تو بخونه است ایستگاه  
ماشین دودی ته امبریه و ایستگاه ماشین  
دودی شابدوالمظیم تو خیابونه باماشینه .  
میدون مال فروش ها ایستگاه خرقه و اطرو  
اسب و گاو و گوسفنده .  
ته خیابون سیروس ایستگاه شترهای  
یه کوهانه و دو کوهانه است .  
جلوی کرسیخانه هم که خودت بهتر  
میدونی ایستگاه اتومبیلهای نورچشبیهای  
ملت یعنی کرسی نشینان عزیز دردونه است .  
اتومبیلهای دولتی هم که اصلاً ایستگاه  
ندارن چون از بس جس لطیف اینور و -  
آنور حمل میکنند دیگر مجال ایستادن  
ندارن .

اما حالا میخام بدونم ایستگاه عراده  
ملی که اینقدر آواره اش توشهر تهرون  
بیچیده کجاست و این هیولای عجیب و غریب  
را تجا جاش میدن ؟

۱- مشدی عباد  
بابا شمل - آهای مشدی عباد  
مکه خدای بخواسته باباشمل سورچی عراده  
ملی است که این سؤال را میکنی .  
بقیه در صفحه ۶

۱- مشدی عباد  
بابا شمل - آهای مشدی عباد  
مکه خدای بخواسته باباشمل سورچی عراده  
ملی است که این سؤال را میکنی .  
بقیه در صفحه ۶

۱- مشدی عباد  
بابا شمل - آهای مشدی عباد  
مکه خدای بخواسته باباشمل سورچی عراده  
ملی است که این سؤال را میکنی .  
بقیه در صفحه ۶

۱- مشدی عباد  
بابا شمل - آهای مشدی عباد  
مکه خدای بخواسته باباشمل سورچی عراده  
ملی است که این سؤال را میکنی .  
بقیه در صفحه ۶





... در اجلاس هفته گذشته که جناب ریاست پناهی هنگام ظهر بیهانه انجام کارهای معوقه در هیئت رئیسه طالار کرسیخانه را ترک کرد، یکسر بغیابان عین الدوله تشریف برد.

... جریان جلسه خصوصی را در مجله رسمی نوشتن معنی ندارد، زیرا اگر کاسه زیر نیمکاسه نبود چرا همانوقت بتماشاچیان اجازه حضور ندادند.

... آقای رئیس به آقای سید محمد طباطبائی تجدد خطاب مینماید، در صورتیکه آقای تجدد نماینده صاری میباشد.

... اتومبیل دولتی شماره ۱ همدان هنوز زیر پای فرمانداریست که یکسال پیش از کار برکنار شده است.

... سرهنگی که هشتاد هزار تومانش را جناب شمس جلالی خورد، باینکه در هوا بیسای نیست یک گروهبان ۲ هواپیمائی را بسمت گماشته در دولت منزل خود دارد.

... بعضی از کرسی نشینان سهام شرکت توپچیان را خریده او را در کارهای تجارتي و خریدهای بزرگ کمک مینمایند.

... چون اصلاحات مهم قشون تمام شده اکنون میخواهند در فوج اول بساط اسکیتینگ رینگ راه بیندازند.

... پرونده های میر پنجی که در دست رسیدگی بود یکبار از جریان خارج ورا کد گردید.

... وزارت دیوانخانه میخواهد بعد از عید آئین نامه تبدیل مال الاجاره را برفع مالکین تغییر دهد.

... جناب شمس جلالی لباس نظامی پوشیده و قاچاقی بیازرسی امور ارتش در یک گوشه از کشور مشغول است.

... صبح روز یکشنبه ملاقات کوچولو ولی مهمی بین مرشد و نیک معدنی دست داد.

... اردوان دوم ده بیست نسخه از مجله رسمی روز پنجشنبه که حاوی مخالفت وی بامر خاصی بضمیمه بود خریده است و گویا خریدار منحصر بفرید مجله میباشد.

... اتومبیلی که از بول اداره تصفیه یعنی از بول مردم در زمان دکتر خپله خریداری شده بود بعنوان خریده بدیوانخانه منتقل و مورد استفاده دادستان علیه السلام قرار گرفته است ولی تاکنون بهای آن پرداخت نشده است.

... گویا عوج این معظم نیز در دستگاه دولت دلیه مسندی بدست آورده اند زیرا ظهر روز شنبه در معیت یک مخدره از اتومبیل دولتی شماره ۴۱۳ استفاده میفرمودند.

... عصر روز شنبه کمیون امور بیرونی کرسی خانه با حضور داش نصل و دکتر صدقه تشکیل گردید، گویا قرارمدار سانفرانسیسکو را میکنند.

... یکی از میر پنج ها که تازه از فرانک برگشته آقای دادو بیادگر را در باریس نزد آقای جاده نمادیده و او را دعوت بعودت بایران نموده است.

هفت سبین

- خفیه نویس باباشمل اطلاع میدهد بساط هفت سبینی که در باشگاه افسران شب عید چیده شده بود عبارت بود از:
- ۱- ستوان
  - ۲- سروان
  - ۳- سرگرد
  - ۴- سرهنگ
  - ۵- سرتیپ
  - ۶- سرلشکر
  - ۷- سپهبد

... مسافرت حسین قشقره و کارد ضیابور باهم و برای یک منظر و بیک محل است.

... حجر الاسود شنی در جواب یکی از کرسی نشینان که پرسیده بود که معتبرنامه تو کی تصویب میشود؟ گفته بود در دوره پانزدهم.

... باحسن توجه حکیم خله یکی از دکترهای عنعناتی بجای مشورتچی ای که در رأس بنگاه داروخانه است نامزد و شاید برقرار شده است.

... باباشمل - معلوم میشود حکیمباشی هم از آخرین روزهای دولت علیه استفاده کرده و در صدهاست تمام اطرافیان قدیمی و دارودسته اش را بنوائی برساند.

... دولت علیه برای اسکات مخالفین خود چند نفر از کرسی نشینان روزنامه چی های مخالف را بعنوان نمایندگان مطبوعات ایران بفرج دولت آمریکا به انجام فرستد.

... ممکن است خفیه نویس باباشمل هم برای اثبات انسان بودن خودش سالی یکبار اشتباه کند و مثل دوهفته پیش کاسی مائی و دست بر کل را با سایرین بیکجوب براند.

... هفته قبل هم ملاقات خصوصی در منزل نان فطیر بین ایشان و رستم زابلی روی داده است.

... روز یکشنبه ظهر عده ای از کرسی نشینان ناهار در منزل آسید نمناع میهمان بودند. دکتر اقبالی نیز در آن جا بوده ولی مخبر کلاه پوستی نتوانسته جریان مذاکره را تشخیص دهد.

... آئینه رستمی هم باعجله هرچه تمامتر باخذ تذکره فوری عازم عتبات است و گویا فقط قصد زیارت دارد.

... روز دوشنبه مش اعتماد متولی و فیروزه آبادی بجای بحث در مسائل سیاسی در کرسیخانه راجع به نهوانه و کشت آن در شهر ری مذاکرات مفصلی بعمل آوردند.

... صبح دوشنبه با هزار زحمت شعبه برای رسیدگی باعتبار نامه دره تشکیل و قرار شد سو کمیونی تشکیل دهند.

... ترس کمیونیون از تیمور لنگ است.

... راجع به نره قام قام و رفیعی خیلی تیمور لنگ نصیحت کردند که از خر شیطان بائین بیاید.

... روز دو شنبه آسید نمناع با طمطراق تمام که پاشی جلودارش بود به اطاق رئیس حسابداری کرسیخانه برای تصفیه محاسبه سالیانه آمد و طوری وقار آقا میرزا نامهربان را مسحور کرد که روی میز سجده نمود و زبانش بند آمد.

خبرهای کشور

خفیه نویس باباشمل اطلاع میدهد که بمحض اعلام اسامی نمایندگان دولت در کنفرانس سانفرانسیسکو، عده ای از نور چشمیها بغیال افتاده اند که باسم منشی و مترجم و آبدار و مهتر جزو ملتزمین رکاب قرار گیرند و تصور می رود بیشتر آنها مقضی المرام گردند.

اقدامات بچگانه

خفیه نویس بابا از کرسیخانه خبر می دهد که دکتر دل وقلوه که قتل بابا را بعهده ورود پنجشنبه در کرسیخانه نامه بابا را از دست خوانندگان گرفته و بدور مینداخت و میفرمود این چرت و پرت هارا چرا میخوانید.

**باباشمل** - بقول آن نویسنده شوخ انگلیسی: من هم با او هم عقیده ام ولی مانده نفر در مقابل اینهمه مردم چرت خوان چکار میتوانیم بکنیم.

ابراز مخالفت

روز دوشنبه رستم زابلی منبر رفت و در اطراف انتخاب داش نصل بنیابندگی کنفرانس سانفرانسیسکو، شدیداً مغالطه فرمودند.

**باباشمل** - والله ببخود رستم زابلی رابه سانفرانسیسکو نمیفرستید.

کلمات طوال

خانمها از اینجهت نوروز را دوست دارند که وسیله مشروعی برای دوختن لباس بدست آنها میدهد.

در نوروز خانمها هیچ بغاظر نیاروند که یکسال دیگر بر عمرشان افزوده شده است.

بهترین عیدی آقایان بغانها چشم پوشی از خطاهای گذشته آنانست.

اصرار خانمها به خانه تکانی برای اینست که شاید اسرار نهفته ای را کشف نمایند.



فویس کارلوفی در فیلم اسکات عینکی

صدای ایران (ش)  
اراجیف هواداران  
باباشمل - بااراجیف  
بیان مخلوط شده است.  
دسته گل  
باباشمل - هروقت  
قدیم کنی گل کلم تقدیم  
رنگ و بو دارد وهم خاصیت  
آزاد (شماره ۷۳)  
در ادارات اقتصادی  
باباشمل - مصلحت  
پرده برو  
ورنه در  
خبری نیست  
ظفر (شماره ۷۶)  
سیف پور فاطمی  
آبادی ازلی است.  
باباشمل - خجالت  
بستم و تکفیر!  
رعد امروز (شماره)  
آیا بیات ماندنی است  
باباشمل - اگر بی  
بیات نمیشد  
پیغام (شماره ۱۰۰)  
آیا اوضاع فارس بر  
پوشیده است.  
باباشمل - بلی ا حت  
خودش هم  
تهران امروز (ش)  
کشور بیصاحب ایران  
باباشمل - اختیار  
ایران بقدر امروز صاحب  
اقدام (شماره ۸۰۷)  
یکقطره خون واشك  
باباشمل - همقطار  
مادر مبین میکوی چند کا  
مبین بگو!



خبرهای کشور

پس باباشمل اطلاع میدهد که اسامی نمایندگان دولت در فراز انیسکو، عده‌ای از نور-...  
بدر و مهتر جزو ملتزمین رگاب و تصور می‌رود بیشتر آنها کردند.

قدمات بچگان

ویس بابا از کرسیخانه خبری ردل و قلوه کمرقتل بابا را به در کرسیخانه نامه بابا را از دگان گرفته و بدور می‌نهد و چون چرت و بورت هارا چرا

هل به بقول آن نویسنده شوخ من هم با او هم عقیده‌ام ولی مادری اینهمه مردم چرت خوان چکار کنیم.

ابراز مخالفت

و شبیه رستم زابلی منبر رفته انتخاب داش فصل بنامندگی انفرانسیکو، شدیداً مخالف

هل - والله بیخود رستم زابلی تیسکو نمی‌فرستید.

کلمات طوال

ها از اینجهت نوروز را دوست و وسیله مشروعی برای دوختن آنها میدهد.

روز خانها هیچ بخاطر نیاروند دیگر بر عمرشان افزوده شده

ین عیدی آقایان بخانهها چشم طاهای گذشته آنانست.

ر خانها به خانه تکانی برای شاید اسرار نهفته‌ای را کشف



ویس کارا-وفی در فیلم اسکلت عینکی



صدای ایران (شماره ۶۸۷)

اراجیف هواداران دولت بیات باباشمل - بازار اراجیف مخالفین دولت بیات مخلوط شده است.

دسته گل باباشمل - هر وقت خواستی به بابا تقدیم کنی گل کلم تقدیم کن زیرا هم رنگ و بو دارد و هم خاصیت.

آزاد (شماره ۳۷۳)

در ادارات اقتصادی چه خبر است؟ باباشمل - مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز ورته در محفل رندان خوری نیست که نیست.

ظفر (شماره ۷۶)

سیف پور فاطمی مسیحی و دولت آبادی ازلی است.

باباشمل - خجالت بکش بچه قرن بیستم و تکفیر!

رعد امروز (شماره ۴۰۴)

آیا بیات ماندنی است. باباشمل - اگر نمی‌ماند که بیات بیات میشد!

پیغام (شماره ۱۰۰)

آیا اوضاع فارس بر آقای بیات پوشیده است.

باباشمل - بلی! حتی اوضاع کابینه خودش هم.

تهران امروز (شماره ۲۰۱)

کشور بیصاحب ایران. باباشمل - اختیار داری هیچوقت ایران بقدر امروز صاحب نداشت.

اقدام (شماره ۸۰۷)

بکقطره خون واشک مادر میهن. باباشمل - همقطار چرا همه‌اش از مادر میهن میکونی؟ چند کلمه هم از پدر میهن بگو!

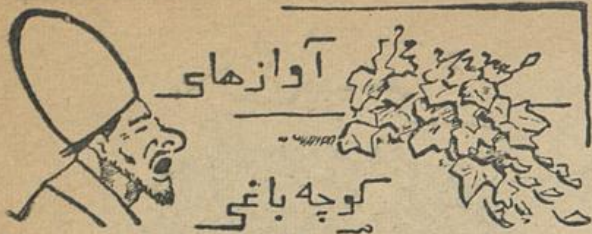
بیان

سال ۱۳۳۳ برای کرسی نشینان

چگونه سالی بوده.

- برای آئینه رستمی ۱ سال کتک
- مرشد مثنی: > فتنه
- تیمور لنگ: > اردنک
- صدقه: > قهر و آشتی
- نعنا: > اعلامیه
- ابن سهر: > مشت و مال
- انصاف: > مسافرت
- کاک محفل: > غیبت
- اردوان اول: > برگزینی
- یبوی: > تحقیق و استنطاق
- مخمل سردست بار: استعفاي مصلحتی
- نقاقت: > تهاوت دماغ
- جانماز: > جبهه دینوی اعم از وطنی یا اسماز
- سامری: > ضرر و خسران
- آمورتاش: > عیش و کامرانی
- ابل امینه: > امیدواری
- دل و قلوه: > روضه خوانی
- لنترانی: > خونخواهی
- کارد ضیاء پور: > تبلیغ رسالت
- رحیم بیک قوچانی: > دعوا و مراقبه
- دکتر کشا: > کشاکش
- شهاب نقاب: > دفاع
- پری گناه آبادی: > سفر تاشکند
- رستم زابلی: > اخلام جرم
- انفرمیہ: > از دست دادن موقوفات
- شیخ چوبان: > نخ
- جمال لندهور: > الدرهم بلدرم، و صدور چک
- حجر الاسود: > سرگردانی
- هذا غول جهرمی: > تحصیل نام نیک!
- حکیم ظاهری: > سوفلوری
- میر مصدوق: > کسالت طبیعی و مصلحتی
- مرشد: > دودودم
- بقیه کرسی نشینان: > سکوت عارفانه و صحیح است.

ابرام سرپا



بیات نعنا

ملت کور و کر از احوال ما آگاه نیست در حق ما هر چه گوئی در خورا کراه نیست دلبرای بیپوده گفتمی دزد گاهست اینمکان دزد و رهن را ز بیم ما در اینجاراه نیست همچو من قربان لطف دائم ۰۰۰۰ برو

نان بیات

کابینه تو کپک زدای نان بیات بد بود نخست و گشت بدتر از بد کنندی کلک جناب میلیسپارا

بر گو کلک تو را که باید بکنند؟ لا ادری وصیت بنای شهید واقعه ۱۵ اسفند:

بروز واقعه تابوت ما ز تانک کنید که مرده ایم بعشق و کیل گریانی ما ادری؟

مژده بهار

داد باد نوروزی مژده بهاران را کرد فرودین تجدید عهد کهنه کاران را اجتماع یارانرا شد بهانه ای حاصل

شد بهانه‌ای حاصل اجتماع یاران را در محافل رندان نقل و می فراوانست تاخر ند باحوای رای هم قطاران را

مملکت مداران را فرصتی بیچنگ آمد فرصتی بیچنگ آمد مملکت مداران را تا قطاب و بشمک هست در بساط یزدیها

میتوان باسانی پخت تازه کاران را گر امان دهد مرشد چند روز بتوان دید جای رقص کابینه رقص گلعداران را

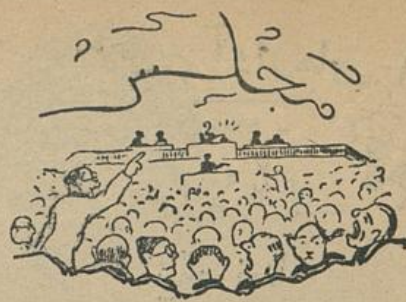
زیر پای دولت بود دست و دست تر گردد دل بدست اگر نارد کاسه کوزه داران را با چنین مرارتها اقل آنکه بگزینند

بر اریکه دولت طرف کوهساران را شیخ سرنا



-چونم حالا که ترا برای اخلاص تعقیب میکنند میخواهی وکیل مدافع بگیری؟  
-نه چونم اعوض اینکده وکیل مدافع بگیرم به روزنامه در میارم.





جلسه ۲۲ اسفندماه

آقای کاظمی - بنده بواسطه کسالت در پیش آمد بسیار بسیار تاسف آور این چند روزه مجلس شورای ملی حضور نداشتم.
باباشمل - این قدر در تاسف اسراف نکن، زیرا خیال میکنم بعدها بیشتر لازم شود.
آقای کاظمی - نوشته شده بود که این قضیه را - توطئه میدانند.
آقای مهندس فریور - تیراندازی گلشایبان را توطئه میدانند.

باباشمل - ولی عاقلان دانند!
آقای جواد مسعودی - در این طرح نوشته شده است «شلیک بطرف مردم» ولی ما میدانیم که بطرف مردم شلیک نکردند.

آقای کابگش - مقصود روزنامه مردم است (خنده نمایندگان)

باباشمل - بد نیست بواش بواش همجواری چپ اسفندیار در شما هم تاثیر میکنند.

آقای حاذقی - وظیفه مملکت است که اطفال صغیر مرحوم دکتر حامدی را تربیت کند.

باباشمل - ای بابا! آنقدر سن هست که با سن کم است، دولت فعلا مشغول حواله حقوق مستشاران سفر کرده است.

آقای دکتر عبده - مهندسی که می تقصیر گرفتار شده بودند و حالا آزادند نباید از کرسنگی بپزند
باباشمل - بقول آقای دکتر صدوق: همه از دست غیر مینالند، سمدی از دست خویشتن فریاد!

آقای وزیر دارائی - راجع باشخص بلا تکلیف ما باید ببینیم که محل خالی داریم یاخیر.

باباشمل - و اگر محل خالی موجود بود فوراً نور چشمی ها و اقوام و دوستان را جا کنیم.

آقای فرهودی - مصرف کاغذ و صابون بارومتر تمدن هر مملکتی است.

باباشمل - از حیث مصرف کاغذ برای ادارات و روزنامهها که ما از همه منمندتریم ولی چون صابون دولت گران است فقط میتوانیم دلسان را صابون بزینیم.

آقای وزیر پیشه و هنر - کمیون رای داده است که رئیس حسابداران مظلوم بسوء استفاده در معاملات مواد چربی است.

باباشمل - یعنی بیچاره خواسته است سبیلو چرب کند.
جانم بکسال بش بابا تمام این مطالب را نوشت و اسلاف شما پشت گوش انداختند.

آقای وزیر پیشه و هنر - شما فقط ماهی هزار و سصد تومان بااضافه شش تن حقوق میدهد، آ را فقط شش تن برای حیران این کار بدیم، من که دارائی ندارم ده مایون خسارت این کار را بدیم.

باباشمل - جان بابا اگر همین ماهی هزار و سصد تومان است که تو این شهر هر حاله ای اگر بخواید میتواند بدست بیاورد. خودت بکنار ولی میخوام از و در راه و منظر او زارها پرسی که آن فقط برای همین ماهی هزار و سصد تومانست که از سر و کله هم بالا میروند!

جلسه پنجمین اسفند

آقای جمال انامی - من هم تصبای و احساسات هستیم
باباشمل - داش، قربون احساسات که جاش را

نمی شناسد!
آقای دکتر کشاورز - اگر آقای فرودین مستشار، کسالت کیددارند و با آمریکا میروند نباید که تادو سال حقوق اورا به آنجا فرستاد.

باباشمل - قربان حقوق نیست، باج سبیل است.

آقای فریور - ممکن است آقای - وزیر جنگ خدا نکرده یکسال دیگر مریض باشنده پس تکلیف این لایحه چه میشود!

باباشمل - اولاً خدا نکند، ثانیاً تا یکسال از دولت سر شما هفت تا کابینه می آیند و میروند و کاری بجز ماندارند.

آقای رئیس - بعضی از آقایان و کلا میتوانند از حقوقشان صرف نظر کنند ولی همه نمیتوانند.

باباشمل - از نداری یا از خست؟
آقای حاذقی - البته یک نفر نماینده یک فرد رشید بالغ عاقلی است.

باباشمل - بر منکرش لعنت!

آقای دکتر طاهری - بعضی از نمایندگان از ملاطفت آقای رئیس سوء استفاده میکنند.

باباشمل - مخصوصاً آقای رئیس ملاطفت میفرمایند که نمایندگان هم در چهاردهم فروردین مقابله بشن نمایند.

آقای طباطبائی - از دولت قوی شوکت خواهش میکنم.

باباشمل - بر بیچاره بختند اگر یسار خوار است خود کشته ای.

آقای فرهودی - اشخاصی هستند که حق بانا حق خودشان را طلبکار از دولت کرده اند و چون نفوذ دارند ...

باباشمل - دمار از روزگار دولت در می آورند و در دزدگاه و با در پناه آنجا بسر میبرند.

جلسه یکشنبه ۲۷ اسفند

آقای فریور - بکنارید لایحه نظام وظیفه بگذرد و با تصویب این لایحه یک عیدی بملت ایران بدهید!

باباشمل - ما عطایتان را بلفایتان بخشیدیم.

آقای طباطبائی - این بدعت رانی شود در دوره چهاردهم گذاشت

باباشمل - بفرمایید روی بدعتی دیگر.

آقای فریور - روح قانون اساسی باباشمل - جانم بکنارید اقل روح قانون اساسی بیاساید، احضار ارواح نکنید!

آقای نیوی - خوبست با تصویب مالیات جدید و شکر عیدی بشهر داریها و مردم داده شود.

باباشمل - بفرمایید از مردم گرفته شود و بناحق بشهر داریها داده شود.

آقای فرهودی - قماش وقتند و شکر جزو اوراق عمومی است و مالیات آن ببقعه دوم و سوم تحمیل می شود.

باباشمل - خدا کند همیشه بخالف دولت باشی زیرا وقتی مخلفی حرفهای حسابی میزنی.

آقای فرهودی - مالیات را کشاورز و زارع بدهد و مردم شهر از نظافت و ورزشانی و آب استفاده کنند!

از ما میپرسند

بقیه از صفحه ۳
بابا اصلاً تو عراده ملی سوار نشده، سهل است که از دور هم که اسمش را میشنفتی از ترس اینکه مبادا زبیرش بگیرد فرار میکنی.

اگر غیر از تو هر کسی دیگه این سوالو میکرد جوابی بپوش نمیدادم اما تو حق به گردن بابا داری آنچه بعقلم میرسه برات میگویم.

لا بد تا حالا شنیده ای که در فرنگتون بعضی ایستگاههای زیرزمینی هست که مردم از اونجا سوار میشن و هر جا دلشون خواست میرن. اگه خاطررت باشه اونوقتی که عراده چی باشی عنعنات ملیش را بیرون داد

بعضی صحبتهای عجیب و غریب از غارهای زیرزمینی و غارهای زیر آبی میکرد که مردم دستش انداخته بودن و به عقلش میخندیدن.

اما حالا معلوم میشه یارو آن موقع حق داشته و میخواست با اون غارهای زیرزمینی از ایستگاههای زیرزمینی فرنگها تقلید کنه و عراده میشو اونو جا بده.

باباشمل - اگر جز این بودی، عجب نمودی!

آقای طباطبائی - من نمیدانم دولت کی از این خواب عیق بیدار خواهد شد.

باباشمل - وقتیکه سقوط کند.

آقای وزیر دارائی - من ساکت نشستم تا نمایندگان نمایندگان را بپندارم.

باباشمل - و بعد مثل بوجار لنجان از هر طرف باد آمد بادش دهم.

آقای وزیر دارائی - این عوارض جدید نیست این اجناس انحصاری است و دولت بهر قیمت خواست میفروشد.

باباشمل - دولت خیلی بی ربط میفرماید.

آقای فداکار - پیشنهاد میکنم این وجه بصرف بهداری شهر داریها و دار - الحجابین هر شهر اختصاص داده شود.

باباشمل - یعنی:

تعلیم از سه گیر در اسر معاش چیزی سوی خود میکش و چیزی بپوش

آقای فریور آبای - کجا رفت آن عواید سرشار!

باباشمل - از کجا آمد این عوارث و املاک و پولهای شخصی که در آمریکا خوابیده است!

آقای دکتر کشاورز - آقای نیروز - آبادی ما هم عقب همان میگردیم.

باباشمل - مگرد تا بگردیم!



«اوسنور سال»

لوازم برقی و آشپزخانه

بهترین کارهای آشپزخانه و لوازم برقی

نشان اسلامبول پانزدهم تهران

جسارت تریه

فشاری مگرانی و اوسنور سال تهران

جدول بازی

اشخاصیکه جدول کنند يك كشيده جانانه بعنوان عیدی دریافت

Table with 10 columns and 10 rows, containing numbers and decorative symbols.

افقی

۱- قهرمان سیلی
نقطه لاهیجان ۳ - ننا از مح
سنگی آن را ملت های عقب
آن را اگر زن باشد ش
باشد ملت مرحومه میبر
دانی اسکی آنجا را لش
اگر مثل اغلب کرسی نش
سر سبوت سلامت میماند
از بی ادبان یاد گرفت
آن فرو میروند ولی در
باغ است ۵ - کاملاً بیدار نی
۶- پای کابینه اینطور است
اضافه کن و اگر مایلی باز
۷- آفت صورت خانها
در هم ریز و انکاس صو
کرسی نشین عوارض و
بآنجاست ۹ - شیر چی
بکرسیخانه آمده است ۱۰
سلنه.

عمودی

مرشد کرسیخانه -
منتخب بآنجاست - در قزوین
۲- هم در کرسیخانه هست
- لراش هست قدیمی شعرا
آن دارد - ردیف ۵ - بدبخت
در شمال شهر فراوان است
چوانان آنجا جمع میشوند
«ک» باخترش اضافه کر
بنوشی ۷- اگر گوری باختر
میزه مطبوعی میشود - حرف
درهم ریخته ۸- بچانه آینه
اصطلاح موسیقی - همکوشش
است ۹- میربچی که بر اثر ع
لندهور حالش خراب است ۱۰
بکرسیخانه نازل شده است.

اشخاصیکه جدول کنند
یک کشيده جانانه
بعنوان عیدی دریافت
۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



### جدول باباشمل

اشخاصیکه جدول زیر را صحیح حل کنند یک کشیده جانانه از جبال لندهور بعنوان عیدی دریافت خواهند کرد.

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
☆									☆
	☆								
		☆							
			☆						
				☆					
					☆				
						☆			
							☆		
								☆	
									☆

### افقی

- ۱- قهرمان سیلی ۱۵ اسفند ۲-
- نقطه لاهیجان ۳- نعلناز محصولات آنجاست- سنگی آن را ملت های عقب مانده و جاندار آن را اگر زن باشد شعرا و اگر مرد باشد ملت مرحومه میپرستند - بیخود زمین دای اسکی آنجا را لشکرک مینامند ۴-
- اگر مثل اغلب کرسی نشینان اینطور باشی سر سبزه سلامت میماند - لقبان آن را از بی ادبان یاد گرفت - در زستان در آن فرو میروند ولی در بهار زینت خانه و باغ است ۵ - کاملاً بیدار نیست - فاش کردن -
- بای کابینه اینطور است - قافی باولش اضافه کن و اگر مایلی باز هم آنرا پرست ۷- آفت صورت خانها - ضمیر پست ۸-
- در هم ریز و انعکاس صورت راهپدا کن - کرسی نشین - عواد ورام - منتسب باجاست ۹ - خبر چی که از همدان بکرسیخانه آمده است ۱۰ - هبیه پانزدهم ملنه.

### عمودی

- مرشد کرسیخانه - بلند ۲ - رستم منتسب باجاست - در قزوین فراوانست ۳ - هم در کرسیخانه هست و هم در کابینه - فراوانست قدیمی شعرا ۴ - نه - کشتی از آن دارد - ردیف ۵ - بدبختی و فلاکت - در شمال شهر فراوان است و عصر ها جوانان آنجا جمع میشوند ۶ - طولانی - «ک» باغش اضافه کن ولی مبادا بنوشی ۷ - اگر گوری باغش اضافه کنی مبره مطهوعی میشود - حرف ربط - تپهوی در هم ریخته ۸ - بچانه آئینه رستمی خورد - اصطلاح موسیقی - مکهوش برمی انداختن است ۹ - برینچی که بر اثر عصبانیت جمال لندهور حالش خراب است ۱۰ - از بروجرد بکرسیخانه نازل شده است.



### این عیدبهار بابا برای که میرسد ؟

با قرعه سه نفر از خوانندگان که جواب صحیح بدهند و تا آخر فروردین برای ما بفرستند هفت ماه بابا شمل بطور مجانی و هفت ماه هم روز نامه رسمی کشور شاهنشاهی در مقابل پرداخت وجه نقد ممالک معروضه فرستاده خواهد شد.

### بورس

نام شرکت	مبلغ اسمی هر سهم	نرخ هفته قبل	نرخ فعلی
شرکت نان بیات	۱۰۰	۵۲	۲۳
شرکت کار	۱۰۰	۸	۴

شرکت نان بیات بوی حلواش بلند است. با احتمال قوی فردا ورشکستگی آن اعلام خواهد گردید. شرکت تضامنی ضیاء بیخود خود را عامل ورشکستگی نان بیات جا میزند. شرکت نان بیات عمر طبیعی کابینه های دوره دم و کراسی را کرد و باجل طبیعی میبرد. بقیه سهام نسبتاً ثابت است. شرکت تضامنی و توده کیمیاخی خریدار زیاد ندارد. مرکز معاملات بجنوب منتقل شده است.

سهام شرکت کار بعلت کناره گیری مشرف نزل نمود. درباره وضعیت بهادز عید اکنون نمیتوان اظهار عقیده نمود. تجدید انتخاب هیئت رئیسه بنگاه بهارستان در وضع دولت آینده بی تاثیر نخواهد بود. اشخاصیکه نامزد ریاست بنگاه بهارستانند در درجه اول مرشد مشقی و بعد عمود السلطنه و دکتر ظاهری و آملر مصدوق هستند. بعید نیست که باز آملر مصدوق از تشتت آراء استفاده کرده و بعضی خودش سوار بشود. احتمال می رود یکی از انواب رئیس از هم شهرها انتخاب شود و دو نفر از منشی ها عوض شوند.

### سیاهه حساب سالیانه باباشمل

#### چهار عمل اصلی

#### برای نو آموزان سیاست

دولت × سه دستکاه + کرسیخانه

× ۱۲۸ اصله چوب خشک +

+ [ ] +

+ [ ] +

+ [ ] +

مرخص نمودن میلسبو + [ ]

= بیلان مملکتی در سال ۱۳۲۳

چاپخانه وزارت کشاورزی

### مامیپرسند

اده ملی سوار نشده، سهول است  
اشمش را میشنقه از ترس  
ش بکیره فرار میکنه  
هر کسی دیگه این سئوالو  
بپش نمیدادم اما تو حق  
داری آنچه بقلم میرسه

لاشندیده ای که در فرنگتون  
های زیر زمینی هست که مردم  
میشن و هر جاد لشون خواست  
فاطرت باشه اونوقت که  
عنعات ملیش را بیرون داد  
ی عجیب و غریب از غارهای  
رهای زیر آبی میگردد که  
انداخته بودن و به عقلش

معلوم میشه یارو آن موقع  
میخواست با اون غارهای زیر  
تنگاهای زیر زمینی فرنگها  
راده میشو اونو جابه.

- اگر جز این بودی، عجب

لباطبائی - من نمیدانم دولت  
اب عیق بیدار خواهد شد.

- وقتیکه سقوط کند  
وزیر دارائی - من ساکت  
نات آقایان نمایندگان را بدانم.  
و بعد مثل بوجار لنگان از  
آمد بادش دم.

وزیر دارائی - این عوارض  
این اجناس انحصاری است و  
بیت خواست میفروشد.

- دولت خیلی بی ربط میفرماید.  
فداکار - پیشنهاد میکنم این  
بهداری شهر دارها و دار -  
شهر اختصاص داده شود

ل - یعنی :

گیر در اسر معاش

سوی خود میکش و چیزی میباش  
فیروز آباری - کجا رفت آن  
بار ؟

از کجا آمد این عبارت  
ولهای شخصی که در آرمبرگا  
بار ؟

د کتر کشاورز - آقای فیروز -  
م عقب همان میگرددیم.  
ل - مکرد تا بگردیم ا



### «اوپورسال»

لوازم برتن و نجاشی  
برن کارهای نجاشی و غیر چاپ گزینان  
نیایان اسلامبول با آرتسزان  
چشمه نهارت تریز  
سالی مگرانی، اوپورسال - تهران

از لوازم برتن و نجاشی با آخرین و بهترین خودکار نجاشی  
شرکت سالی چاپ و نجاشی - تهران - ۲۶۲۴



نامه باباشمل هفته دیگر بعلت تعطیلات عید منتشر نخواهد شد.



چهارشنبه سوری کابینه ها

### ستون خوانندگان

#### فیه صمد جواب میدهد

به بانوان - ...

فیه صمد - از تیریکات صمیمانه ای که بنسبت عید اول سال با بچه‌ها فرستاده اید می اندازم ممنون و متشکرم امیدوارم سال آینده بنام خوانندگان باباشمل مخصوصا بانوان محترمی که از من رفع اشکالات - خویش را خواسته اند خوش و خرم بگذرد یعنی انشاء الله دیگر از این قبیل اشکالات هوزندگانی آنها یش نیاید.

دوشیزه چشم براه - از ابتدای جنگ منتظر آمدن نامزد خود از او براه - تم همت هاست دیگر از او خبری ندارم.

فیه صمد - دوره سختی و بدبختی گذشته است و امیدوارم که در سال نو، بخت پادشاه راهی کنه و خبری از او برسد بلکه خود ارم برسد. اما مواظب باشید که حق های گذشته را فراموش نکرده باشد.

بانو بی پیراهن - شب چهارشنبه - سوری از روی و ته میبریدم، پیراهن توری که برای عید دوخته بودم تنم بود شمه یوته پایین پیراهنم را پاک سوزانده، چکنم

فیه صمد - این که کاری ندارم دخاتم نیم متر پارچه دیگر بخرید و همان جای سوخته را در آورید و این پارچه را جایش بیندازید. مگر نمیبینید تمام خانها باتکه های پارچه هایی که مانده است پیراهن دورنگ میدوزند!

#### نامه هفتگی باباشمل

روزهای پنجشنبه هفتگی منتشر میشود صاحب امتیاز و مدیر مسئول رضا کنجی محل اداره: خیابان شاه آباد جنب کوچه ظهیرالاسلام تلفن: ۸۶ - ۵۲ مقالات وارده مسترد نمیشود. اداره در درج و حک و اصلاح مقالات آزاد است. بهای لو: بیع خصوصی و آکبها با دفتر اداره است.

#### بهای اشراك

یکساله: ۲۰۰ ریال  
ششماهه: ۱۰۰ ریال  
وجه اشراك قبل دریافت میشود  
تک شماره در همه جا ۴ ریال  
بهای تک شماره بگروز بدمه از انتشار دو مقابل خواهد بود.

### تودیع و تهنیت

#### فصل بهار آمد و از آشیان

بلبل شیدا بگلستان پرید!

زاغچه از باغچه ملك ری

نغمه زنان سوی صفهان پرید!

گرچه نواها، زبد و خوب زد،

زاغ سیاه همه را چوب زد،

لیک بسا راز که پوشیده داشت

عیب کسان دید و بکس وانگفت!

گفت ز هر جا، بادب نکته ها

سرخوش ازین نکته که بیجانگفت!

حال که بدرود شما میکند

تهنیت عید، ادا میکند!

زاغچه